

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تی بری میسان - par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۲۹ دسمبر ۲۰۱۵

ستاد فرماندهی ایالات متحده

نفوذ شاهین های لیبرال در کاخ سفید را افشاء کردند

L'état-major US dénonce l'influence des faucons libéraux sur la Maison-Blanche

آیا نظامیان می توانند سیاستمداران را تحت تأثیر قرار دهند و یا این که تنها باید به فرمانبرداری از آنها بسنده کنند، حتی وقتی که به اشتباهات آنها پی می برند ؟

این مضمون مقاله مشهور سرهنگ جیمز بیکر James H. Baker ستراتیژیست کنونی پنتاگون بود. این موضوع در مقاله سیمور هرش Seymour Hersh نیز مطرح گردید (روزنامه نگار تجسسی کارشناس امور نظامی و سرویس های مخفی ایالات متحده) و می بینیم که دائماً به ستاد فرماندهی و کاخ سفید در مورد عملیات سازمان سیا در سوریه و اوکراین هشدار می دهد. از چند ماه پیش، مجتمع نظامی و صنعتی، رئیس سابق آژانس اطلاعات دفاعی DIA ، و سپس فرمانده قدیمی ستاد فرماندهی، و امروز وزیر سابق وزارت دفاع دائماً سیاست رئیس جمهور اوباما را مورد انتقاد قرار می دهند.

شبکه ولتر / دمشق (سوریه) /



رئیس قدیمی آژانس اطلاعاتی ایالات متحده، مایکل فلین Michael T. Flynn، و رئیس سابق هیأت فرماندهان ستاد فرماندهی، مارتین دامپسی Martin Dempsey، و همسرانشان. پس از فرمانبرداری در سکوت، انتقادهایشان را

در مورد نفوذ شاهین های لیبرال در کاخ سفید آشکارا بیان می کنند. به گفته آنها، واشنگتن به جای تدارک توطئه پیچ در پیچ در سوریه و اوکراین باید به عنوان همکار قابل اعتماد مسکو عمل کند.

از دوران گردهمایی ژنیو در جون ۲۰۱۲، ایالات متحده دائماً در مورد سوریه و اوکراین تضادهایی را در کارنامه خود به ثبت رسانده است. با وجود این، ستاد فرماندهی موضع خود را به شکلی منتشر کرد که بتواند کاخ سفید را تحت تأثیر قرار دهد.

تضادها و تردیدهای کاخ سفید

در دوران ریاست جمهوری جرج بوش، کاخ سفید می خواست بر اساس الگوی موفقیت آمیزش در عراق، جمهوری عرب سوریه را سرنگون کند و اوکراین را نیز به منطقه هرج و مرج مبدل سازد. از یک سو هدفش ترسیم مجدد «خاورمیانه بزرگ» بود و از سوی دیگر برآن بود تا خطوط ارتباط زمینی بین دو کشور روسیه و چین را با غرب قطع کند.

وقتی بارک اوباما جانشین او شد، از سوی جنرال برنت اسکاکرافت Brent Scowcroft و به همین گونه از سوی مشاور با تجربه اش در زمینه امور سیاسی زبیبگنیف برژینسکی سفارش شده بود. مشاوران قدیمی در زمینه امنیت ملی جیمی کارتر و بوش پدر به نظریه لنو استروس Leo Strauss که به نام نظریه هرج و مرج سازنده می شناسیم اعتماد نداشتند. از دیدگاه آنها، جهان می بایستی بر اساس الگوی صلح وستفاليا Westphalen سازماندهی شود، یعنی پیرامون دولت هایی که از دیدگاه بین المللی بازشناسی شده اند. مثل هنری کیسینجر Henry Kissinger طرفدار تضعیف دولت هایی بودند که در مقابل سلطه ایالات متحده مقاومت می کردند، ولی خواهان تخریب آنها نبودند، در نتیجه از گروه های غیر دولتی برای سیاست های توطئه آمیزشان استفاده می کردند ولی خواهان واگذاری مدیریت مناطق به این گروه ها نبودند.

وقتی شاهین های لیبرال پیرامون هیلری کلینتن، جفری فیلتمن و دیوید پترانوس (جنرال نمایی که از نظامی به غیر نظامی دگردیسی یافت) توافقات بین واشنگتن و مسکو را تخریب کردند و در سال ۲۰۱۲ جنگ در سوریه را ادامه دادند، اوباما واکنشی نشان نداد. در بحبوحه انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده، اوباما نمی توانست هرج و مرجی را که در درون دولت او جاری شده بود، آشکار سازد. در نتیجه در فردای پیروزی مجدد در انتخابات ریاست جمهوری اوباما برای جنرال پترانوس دام گذاشت و او را دستبند به دست بازداشت کرد، سپس هیلری کلینتن را از کار بر کنار نمود و جان کری را برگزید. جان کری از عهده وصله پینه کردن مناسبات با رئیس جمهور اسد بر می آمد و با او روابط دوستانه ای داشت. ولی فیلتمن در سازمان ملل متحد بر سر کار باقی ماند و این گونه به نظر می رسید که حساسیت وضعیت اوباما را از برکنار کردن فوری او بازمی داشت.

در هر صورت، جان کری تصور می کرد که دیر شده است و وقت چندی برای جمهوری عرب سوریه باقی نمانده است. تنها کاری که او می توانست انجام دهد اجتناب از پایان کار مشابه به معمر قذافی برای اسد بود، یعنی «سودومیزاسیون» با سر نیزه. کاخ سفید و وزارت امور خارجه با دروغ های دوران بوش قادر به رؤیت وضعیت عینی نبود. در آن دوران، تمام کارمندان برای تحلیل و درک وضعیت جهان بسیج نشده بودند بلکه کارشان به پیشدستی برای توجیه جنایات واشنگتن خلاصه می شد. در سال ۲۰۰۶، دبیر اول سفارت ایالات متحده در دمشق ویلیام روباک William Roebuck گزارشی نوشته بود که از اعتبار برخوردار بود و مدعی شده بود که : سوریه جمهوری بعثی

نیست بلکه یک دیکتاتور علوی است. عربستان سعودی، قطر و ترکیه می توانند برای «دموکراسی در حال گسترش» قانوناً از اکثریت مردم سنی پشتیبانی کنند.

در نتیجه **اوباما** زیر پوشش پشتیبانی از «شورشیان میانه رو» دست سازمان سیا را باز گذاشت تا عملیات سرنگون سازی رژیم سوریه را به اجرا گذارد. بر این اساس قاچاق اسلحه به شکل گسترده سازماندهی شد، ابتداء از لیبیا در پسا رژیم **قذافی**، سپس از بلغارستان به رهبری **روسن پلونلیف** Rossen Plevneliev و **بویکو بوریسوف** Boiko Borissov و بعداً از اوکراین در پسا دوران **یانوکویچ** Ianoukovytsch. هم زمان، در تمام جهان اسلام برای نجات اهل سنت از جنگ دیکتاتور علوی دفاتر استخدامی برای جذب مبارزان فعال شدند.

ولی تلاش بیهوده، می بایستی بپذیرند که جمهوری عرب سوریه در مقابل بزرگترین اتحادیه تاریخ مقاومت کرد (۱۱۴) دولت و ۱۶ سازمان بین المللی که در بطن «دوستان سوریه» گرد هم آمده بودند. سوریه از عهده چنین کاری برمی آید تنها به این علت ساده که دیکتاتوری علوی هرگز وجود نداشته بلکه رژیمی لائیک و سوسیالیستی را تشکیل می دهد، و اهل سنت نیز نه تنها مورد قتل عام ارتش قرار نگرفته اند بلکه اکثریت سربازانی را تشکیل می دهند که در بطن ارتش سوریه علیه تجاوز خارجی از کشورشان دفاع می کنند.

وقتی نئو محافظه کاران پیرامون **ویکتوریا نولاند** Victoria Nuland به ضرب میلیاردها دالر در فبروری ۲۰۱۴ به سرنگونی رژیم کی یف نائل آمدند، رئیس جمهور **اوباما** در این رویداد نتیجه شایسته و سزاوار تلاش های چندین و چند ساله را می دید. ولی فوراً پیامدهای این عملیات را نمی توانست محاسبه کند. سپس، برسر دو راهی قرار گرفت: یا کشور را بی آن که دولتی در کار باشد، همچون چاله ای باز بین اتحادیه اروپا و روسیه رها کند، و یا سربازان کوچک سازمان سیا، نازی ها و تعدادی اسلامگرا را به قدرت رساند. سرانجام گزینش دوم را انتخاب کرد، و فکر می کرد که سرویس های او می توانند بین مزدوران مسلح افرادی قابل احترامی را بیابند. رویدادهای بعدی خلاف این امر را ثابت کرد. به طور مشخص، گرچه رژیم **ویکتور یانوکویچ** بزهکار بود، بی گمان، ولی بیشتر از رژیم مولداوی و بلغارستان و گرجستان و غیره انحراف نداشت، رژیم کنونی کی یف نماینده تمام آن چیزهایی است که **فرانکلن روزولت** علیه آن جنگید.



سیمور هرش کشتار مای لی My Lay طی جنگ ویتنام و به همین گونه شکنجه در زندان ابوغریب طی جنگ عراق را افشاء کرد. پس از کار در نیویورک تایمز، و سپس نیویورکر، دیگر در کشور خودش نمی توانست مطلبی منتشر کند و از این پس با لندن ریویو آف بوکس London Review of Books همکاری می کند.

خواست نظامیان ایالات متحده

در حالی که کاخ سفید و کرملین به دومین توافقات خودشان برای صلح در خاورمیانه دست یافته بودند، روزنامه نگار امریکائی **سیمون هرش** مقاله ای بلند در لندن ریویو آف بوکس منتشر کرد و نوشت که ستاد فرماندهی میان ارتشی ایالات متحده، به فرماندهی جنرال **مارتین دامپسی** در مقابل خیال پردازی های **بارک اوباما** مقاومت می کند (۲). به گفته او، با وجود مدیریت سیاسی بحران اوکراین، نظامیان بر آن بوده اند که تماس هایشان را با هم قطاران روسی حفظ کنند. اطلاعات مهمی به برخی متحدان خود منتقل کردند، به این امید که آنها به سهم خودشان این اطلاعات را به سوری ها منتقل کنند، ولی از هر گونه کمک مستقیم به دمشق خود داری کردند. **سیمون هرش** اظهار تأسف می کند که امروز از وقتی که جنرال **جوزف دانفورد** Joseph Dunford فرماندهی ستاد فرماندهی را به عهده گرفته وضعیت به شکل دیگری تغییر کرده است.

در این مقاله نوشته است که سیاست کاخ سفید روی چهار نکته هرگز تغییر نکرده است، از دیدگاه نظامیان یکی پوچ تر از دیگری :

(۱) پافشاری روی برکناری رئیس جمهور **اسد**

(۲) ناممکن بودن اتحادیه ضد داعش با روسیه

(۳) ترکیه به عنوان هم پیمان ثابت در جنگ علیه تروریسم

(۴) و این امر که نیروی اپوزیسیون میانه رو که سزاوار پشتیبانی ایالات متحده باشد، واقعاً وجود دارد

به یاد می آوریم که وزیر دفاع چاک هاگل Chuck Hagel در فیروری سال ۲۰۱۴ به خاطر زیر علامت سوال بردن این سیاست برکنار گردید (۲) و **اشتون کارتر** Ashton Carter جایگزین او شد، یک کارمند عالی رتبه و همکار سابق **کنولیزا رایس** که به خاطر شم معامله گری اش شهرت خاصی دارد (۳).

سپس، در اکتوبر ۲۰۱۴، انجمن میز گرد Rand Corporation اتاق فکری اصلی مجتمع صنعتی و نظامی رسماً به نفع رئیس جمهور **اسد** موضع گیری کرد. این اتاق فکری اکیداً به این نتیجه رسید که پیامد شکست **بشار اسد** به قدرت رسیدن جهاد طلبان خواهد بود، در حالی که پیروزی او موجب ثبات منطقه خواهد شد (۴).

در اگست ۲۰۱۵، پیرامون جنرال **میچل فلاین** Michel T. Flynn رئیس قدیمی آژانس اطلاعات دفاعی (DIA)، در شبکه الجزیره تلاش های او برای هشدار به کاخ سفید در مورد عملیات طراحی شده توسط سازمان سیا و هم پیمانان واشنگتن با جهاد طلبان مطرح گردید. او یکی از گزارشاتش را که اخیراً از وضعیت سرّی بیرون آمده در مورد اعلان ایجاد داعش تفسیر می کرد (۶).

سرانجام، در دسمبر ۲۰۱۵، وزیر دفاع سابق **چاک هاگل** اعلام کرد که موضع گیری کاخ سفید در مورد سوریه موجب بی اعتباری رئیس جمهور **اوباما** شده است (۷).



حذف رئیس جمهوری که به شکل دموکراتیک توسط مردم سوریه برگزیده شده بود هدف جنگی بود که شاهین های لیبرال و نئو محافظه کاران به راه انداختند. خنثی کردن رئیس جمهور سوریه موجب سقوط رژیم و سرنوشتی مشابه معمر قذافی می شد و همان گونه که لیبی گرفتار هرج و مرج شد، سوریه نیز از هم گسیخته می شد. ولی در این صورت نمی توانیم سوری ها را نجات دهیم بی آن که از بشار اسد پشتیبانی کنیم.

چگونه نظامیان سعی کردند به سوریه کمک کنند

به گفته هersh، در سال ۲۰۱۳، مرکز فرماندهی ایالات متحده هم قطاران سوری خود را از چهار خواست واشنگتن را برای تغییر سیاست مطلع ساختند :

- (۱) سوریه باید مانع حملات حزب الله به اسرائیل شود
- (۲) باید برای حل مسأله جولان مذاکراتش را با اسرائیل از سر گیرد
- (۳) سوریه باید حضور مشاوران روسی را بپذیرد
- (۴) باید در پایان جنگ انتخابات جدیدی را سازماندهی کند و اجازه دهد تا اپوزیسیون ها در گسترده ترین تشکلاتشان در آن شرکت داشته باشند.

در خواندن این چهار شرط نکته ای که موجب شگفتی ما می شود، نبود کامل شناخت سیاست خاورمیانه نزد نظامیان است و یا این که می خواهند شرایطی را مطرح کنند که وجود ندارد و دمشق باید آنها را فوراً بپذیرد.

- (۱) در نخستین گام، حزب الله یک شبکه مقاومت در مقابل اشغالگری های اسرائیل است که در لبنان و در واکنش به تهاجمی که سال ۱۹۸۲ به وقوع پیوست ایجاد شد. ابتداء نه توسط پاسداران انقلاب ایران، حتی اگر به بسجی ها خیلی مدیون باشد ولی توسط ارتش عرب سوریه سازماندهی شد. پس از بیرون رفتن ارتش سوریه از لبنان در سال ۲۰۰۵، به سوی ایران تمایل یافت. و علاوه بر این، طی جنگ اسرائیل و لبنان در سال ۲۰۰۶، وزیر دفاع سوریه مخفیانه در خط جبهه حضور داشت تا انتقال تجهیزات را نظارت کند. امروز حزب الله شیعه و ارتش عرب سوریه لائیک دوش به دوش یک دیگر علیه جهاد طلبانی که از سوی اسرائیل پشتیبانی می شوند مبارزه می کنند. در سطح هوایی و در زمینه بهداشتی.

- (۲) از ۱۹۹۵ (وی ریور Wye River) تا سال ۲۰۰۰ (ژنیو)، رئیس جمهور ایالات متحده بیل کلینتن Bill Clinton مذاکرات بین اسرائیل و سوریه را سازماندهی کرد. به طور مشخص، درباره همه چیز به شکل پایپای صحبت شد، گرچه نماینده اسرائیل مخفیانه به مذاکره های تلفنی رئیس جمهور ایالات متحده و رئیس جمهور سوریه گوش می داد (۸). به شکلی که کلینتن در خاطراتش نوشته است (۹) صلح می توانست و می

بایست به امضاء رسد، اگر و تنها اگر نخست وزیر اسرائیل **اهود بارک** در آخرین لحظه پا پس نمی کشید. **بشار اسد** با ابتکار شخصی اش مذاکرات غیر مستقیم را از سر گرفت و این بار از راه ترکیه. ولی وقتی اسرائیل به شکل آشکاری حقوق بین الملل را در آبهای بین المللی در رابطه با «کشتی لیبرتی» نقض کرد، او نیز به این مذاکراتش خاتمه داد. سوریه همواره خواهان مذاکره می باشد، ولی تنها اسرائیل است که امتناع می کند.

۳) در رابطه با مناسبات نظامیان دمشق و مسکو، به دوران شوروی باز می گردد و در دوران **بوریس التسین** کمابیش متوقف شد. در سال ۲۰۰۵، **بشار اسد** برای مذاکره درباره بدهی به شوروی به روسیه رفت. او ۳۰ کیلومتر از ساحل طرطوس را برای گسترش نظامی در طرطوس به کرملین پیشنهاد کرد، ولی روسیه که در حال باز سازی اساسی ارتش خود بود این پیشنهاد را مناسب خود نمی دید. پیش از گردهمایی ژنیو در ژنیو ۲۰۱۲، مشاور امنیت ملی **حسن ترکمانی** به روسیه پیشنهاد کرد که «کلاه آبی ها» را برای ثبات کشور در خاک سوریه مستقر کند. کرملین با مشاهده فعالیت های سیا و تجمع جهاد طلبان از تمام جهان اسلام، کمی بعد پی برد که این جنگ تنها تمرین و آماده سازی جنگ دیگری در قفقاز است. **ولادیمیر پوتین** سوریه را به عنوان «موضوعی داخلی برای روسیه» تلقی کرد و متعهد شد که نیروهایش را در سوریه مستقر کند. اگر در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ هیچ اتفاقی نیفتاد، ولی روسیه تغییر عقیده داد و نیروهایش را آماده کرد و به ویژه تجهیزات جدید نظامی را تدارک دید.

۴) سرانجام، جمهوری عرب سوریه در ماه مه ۲۰۱۴ انتخابات ریاست جمهوری عادلانه و دموکراتیکی را سازماندهی کرد و این موضوع را تمام سفارتخانه ها در دمشق تأیید کردند. به عکس، این اروپائی ها بودند که با نقض منشور وین از شرکت صد ها هزار پناهنده در این انتخابات جلوگیری کردند و همین کشورهای اروپائی بودند که گروه های مختلف اپوزیسیون را متقاعد ساختند که نامزدهایشان را در این انتخابات معرفی نکنند. **بشار اسد** که قاطعانه در انتخابات پیروز شد، حاضر است در پایان جنگ، پیش از اتمام دوره قانونی، ریاست جمهوری اش را دوباره به آزمون انتخاباتی واگذار کند. با رأی ساده مجلس، جمهوری می تواند نامزدهای سوری در تبعید را بپذیرد، به جز آنهایی که با اخوان المسلمین یا سازمان های مسلح (القاعده، داعش و غیره) همکاری کرده اند.

نظامیان ایالات متحده نمی خواهند به عنوان **ننو محافظه کار تلقی شوند**

کمی پیش از ترک مقام، جنرال **مارتین دامپسی** سرهنگ **جیمز بیکر James H. Baker** را به عنوان رئیس دفتر مطالعات ستراتیژیک در وزارت دفاع ایالات متحده برگزید (۱۰). در نتیجه، بیکر فردی است که به قانونمداری، خردگرایی شهرت دارد، یعنی در قطب مخالف طرفداران **استروس** (نظریه پرداز هرج و مرج سازنده). گرچه **سیمور هرش** از او در مقاله اش نامی نمی برد، ولی سایه او را می توانیم در موضع گیری مرکز فرماندهی ایالات متحده مشاهده کنیم.

در هر صورت، مقاله سیمور هرش گواه بر خواست ستاد فرماندهی ایالات متحده برای تفکیک خود از کاخ سفید و شاهین های لیبرال مانند جنرال **دیوید پترانوس** و **جان آلن** است، و به شکلی خاص می خواهد نشان دهد که در شرایط حاضر رئیس جمهور **اوباما** هیچ دلیلی برای ادامه سیاست های ابهام آمیز سه سال گذشته ندارد.

به یادداشته باشیم

(۱) طی ماه‌های گذشته، میزگرد (اتاق فکری مجتمع نظامی و صنعتی) رئیس سابق آژانس اطلاعات دفاعی میچل فلاین، رئیس قدیمی هیأت فرماندهان مرکز فرماندهی مارتین دامپسی و وزیر دفاع سابق چاک هاگل تضادها و تردیدهای کاخ سفید را زیر علامت سؤال بردند.

(۲) رهبران فکری ارتش ایالات متحده به سیاست بازمانده از دوران بوش در رویارویی علیه روسیه معترض هستند. و خواهان همکاری در سوریه و در اوکراین هستند و به همین گونه خواهان کنترل هم پیمانانی مانند ترکیه، عربستان سعودی و قطر می‌باشند.

(۳) از دیدگاه افسران عالی رتبه ایالات متحده: (۱) باید از رئیس جمهور اسد پشتیبانی کرد که باید پیروز شود و در قدرت باقی بماند، (۲) باید به اتفاق روسیه علیه داعش وارد عمل شوند، (۳) باید ترکیه را مورد مجازات قرار دهند که نه به عنوان هم پیمان بلکه به عنوان دشمن عمل می‌کند، (۴) سرانجام باید به تصورات واهی که کوئی شورشیان میانه رو واقعاً وجود خارجی دارد خاتمه دهند، یعنی به فانتسمی خاتمه دهند که تا اینجا با پنهان شدن در پشت آن دست سازمان سیا را برای پشتیبانی از تروریست‌ها باز می‌گذاشت.

[Thierry Meyssan](#)

[1] “[Influencing the SARG in the end of 2006](#)”, William Roebuck, Cable from the State Department, Wikileaks.

[2] “[Military to Military. US intelligence sharing in the Syrian war](#)”, Seymour M. Hersh, *London Review of Books*, Vol. 38, No. 1, January 7, 2016.

[3] آیا اوباما هنوز سیاست نظامی دیگری را در سر می‌پروراند؟، بوسیله تی یری میسان، ترجمه حمید محوی، [3] www.voltairenet.org/article1...، شبکه ولتر، ۱ دسامبر ۲۰۱۴

[4] « [Ash Carter s'entoure d'une équipe de SDB Advisors](#) », Réseau Voltaire, 26 décembre 2014.

[5] [Alternative Futures for Syria. Regional Implications and Challenges for the United States](#), Andrew M. Liepman, Brian Nichiporuk, Jason Killmeyer, Rand Corporation, October 22, 2014.

[6] [Declassified Report on jihadists in Iraq and Syria](#), Defense Intelligence Agency, August 12, 2012.

[7] “[Hagel: The White House tried to destroy me](#)”, Dan de Luce, *Foreign Policy*, December 18, 2015.

[8] *Cursed Victory: A History of Israel and the Occupied Territories*, Ahron Bregman, Penguin, 2014.

[9] *My Life*, Bill Clinton, Knopf Publishing Group, 2004.

[10] « [Ashton Carter nomme le nouveau stratège du Pentagone](#) », Réseau Voltaire, 17 mai 2015

آدرس متن در شبکه ولتر :

<http://www.voltairenet.org/article189738.html>